



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بخدمت با توفیق پروردگار در ولایت فقیه بود، در طرح این مسئله تفاوتی فراوانی وجود دارد یعنی هر فقیهی بر اساس درک و فرهنگ خودش که از أدله ی احکام دارد مسئله را به طور خاصی مطرح کرده، گاهی طوری مطرح شده که به علم فلسفه مربوط می شود که از حقائق موجودات بحث می کند، گاهی طوری مطرح شده که به علم کلام مربوط می شود که از مبدأ و معاد و اعتقادات بحث می کند و گاهی طوری مطرح می شود که به علم فقه مربوط می شود که از افعال مکلفین و احکام مربوط به آن بحث می کند.

امام رضوان الله علیه در نجف اشرف بحث ولایت فقیه را در ۱۳ جلسه مطرح کرده اند و همچنین ایشان در کتاب البيع بحث ولایت فقیه را مطرح کرده اند منتهی طرح بحث در نجف با طرح بحث در کتاب البيع فرق می کند، خلاصه یکی از نکاتی که ما باید به آن توجه داشته باشیم همین وجود تفاوت ها در طرح مسئله ولایت فقیه می باشد.

خوب و اما حضرت امام رضوان الله علیه در کتاب البيع جلد ۲ صفحه ۶۱۷ مسئله را اینطور طرح کرده اند که ما باید کل قوانین و معارف اسلام را مجموعاً در نظر بگیریم که اگر اینطور باشد برای ما روشن می شود که این قوانین کلی یک حاکمی نیاز دارند تا آنها را اجرا کند چراکه یکی از شئون حاکم اجراء قوانین می باشد بنابراین باید کل قوانین اسلام را در نظر بگیریم، سپس ایشان به نمونه هایی از قوانین اسلام اشاره کرده که به عرضتان می رسانیم، ایشان ابتدا می فرمایند: ((ضرورة الحكومة الإسلامية :

و من جملة أولياء التصرف في مال من لا يستقل بالتصرف في ماله الحاكم، و هو الفقيه الجامع لشرائط الفتوى، و لا بأس بالتعرض لولاية الفقيه مطلقاً بوجه إجمالي، فإن التفصيل يحتاج إلى أفراد رسالة لا يسعها المجال.

فقول: من نظر إجمالاً إلى أحكام الإسلام، و بسطها في جميع شؤون المجتمع؛ من العباديات التي هي وظائف بين العباد و خالقهم، كالصلاة و الحج، و إن كانت فهما أيضاً جهات اجتماعية و سياسية مربوطة بالحياة و المعيشة النبوية، و قد غفل عنها المسلمون، و لا سيما مثل ما في الاجتماع في الحج في مهبط الوحي و مركز ظهور الإسلام.

و مع الأسف، قد أغفلوا بركات هذا الاجتماع الذي سهل تحقّقه لهم الشارع الأقدس بوجه لا يتحقّق لسائر الدول و الملل إلا مع جهاد عظیم، و مصارف خطيرة.

و لو كان لهم رشد سياسي و اجتماعي، أمكن لهم حل الكثير من المسائل المبتلى بها؛ بتبادل الأفكار، و التفاهم و التفكير في حاجاتهم السياسية و الاجتماعية)).

ما می دانیم اسلام معارف عبادی از قبیل نماز و حج دارد که همین عبادات نیز با سیاست توأم هستند مثلاً نماز جماعت محتوای خیلی بلندی دارد زیرا اولاً حاکی این است که خداوند دوست دارد عبادات در اجتماع صورت بگیرد ثانیاً با اینکه اجتماع است اما یک امام جماعت عادل می خواهد، و یا مثلاً حج خیلی با سیاست توأم است زیرا شارع مقدس حج را برای کل مسلمانان جهان که تمکن و استطاعت دارند در یک زمان و مکان معین قرار داده آن هم در محبط وحی و مرکز بوجود آمدن اسلام، منتهی آن طور که شارع مقدس خواسته از حج بهره برداری به عمل نیامده چراکه اگر مسلمانان بیدار بودند اولاً حج می توانست خودش یک مرکز و یک مانوری برای نشان دادن قدرت اسلام باشد و ثانیاً مسلمانان می توانستند با تبادل نظر و مشورت خیلی از مشکلات را حل کنند و تصمیمات مهمی برای دنیای اسلام بگیرند.

حضرت امام رضوان الله علیه در ادامه کلامشان به بخشی دیگر از قوانین اسلامی اشاره می کنند و می فرمایند: ((و من القوانين الاقتصادية و الحقوقية و الاجتماعية و السياسية، لرأى أن الإسلام ليس عبارة عن الأحكام العبادية و الأخلاقية فحسب، كما زعم كثير من شبان المسلمين بل و شیوخهم؛ و ذلك للتبليغات المشؤومة المسمومة المستمرة من الأجانب و عمالهم في بلاد المسلمين طيلة التاريخ؛ لأجل إسقاط الإسلام و المنتسبين إليه عن أعين الشبان و طلاب العلوم الحديثة، و إيجاد الافتراق و التباعد بين المسلمين قديمهم و حديثهم.

و قد وقفوا في ذلك إلى حد لا يتيسر لنا رفع هذه المزعمة و التهمة بسهولة، و في أوقات غير طويلة.

فعلى المسلمين و في طليعتهم الروحانيون و طلاب العلوم الدينية القيام بوجه تبليغات أعداء الإسلام بأية وسيلة ممكنة، حتى يظهر أن الإسلام قام لتأسيس حكومة عادلة، فيها قوانين مربوطة بالماليات و بيت المال، و أخذها من جميع الطبقات على نهج عادل)).

بعضی ها خیال کرده اند اینکه در روایت گفته شده اسلام غریب بوجود آمد و بعد هم غریب خواهد شد یعنی طرفداران اسلام کم هستند ولی امام رضوان الله علیه در جای دیگری می فرماید معنای

ششم: معارف فرهنگی، مثل اینکه اسلام به تحصیل چه علمی تشویق و ترغیب می کند چراکه تحصیل بعضی علوم واجب و بعضی مستحب و حتی بعضی مثل سحر حرام است مگر برای افراد خاصی .

هفتم: معارف سیاسی که مربوط به مدیریت جامعه می باشد .

هشتم: معارف حکومتی که بیان گر شرایط حکومت و حاکم می باشد .

نهم: معارف قضائی که دارای امتیازات خاصی در اسلام است .

دهم: معارف جهادی و دفاعی می باشد .

حالا یک جمله معترضه خدمتان عرض می کنم، غزالی احیاء العلوم را نوشته که در آن اسلام و علوم اسلامی را کوچک و در چهار چیز خلاصه کرده: العبادات، العادات، المنجیات، المهلكات که این واقعا یک جفائی به اسلام است، فلذا امام رضوان الله علیه معارف اسلامی را یک به یک شمردند و ما نیز آنها را به ده قسم تقسیم کردیم، حتی امام رضوان الله علیه می فرمایند مرزداري و مرز شناسی از معارف اسلام است لذا باید جلوی مرزها را گرفت که بیگانگان نفوذ نکنند و حتی امور فرهنگی و اقتصادی و سیاسی مرز دارد زیرا دشمن همیشه سعی کرده از راه فرهنگ و اقتصاد و سیاست نفوذ کند بنابراین مرز بانی فقط مربوط به مرزهای زمینی و دریایی و هوائی نمی باشد .

امام رضوان الله علیه بعد از ذکر برخی از معارف اسلامی در ادامه کلامشان می فرمایند: ((و بعد ما عرفت ذلك نقول: إن الأحكام الإلهية سواء الأحكام المربوطة بالماليات، أو السياسات، أو الحقوق لم تنسخ، بل تبقى إلى يوم القيامة، و نفس بقاء تلك الأحكام يقضي بضرورة حكومة و ولاية، تضمن حفظ سيادة القانون الإلهي، و تتكفل بإجرائه، و لا يمكن إجراء أحكام الله إلا بها؛ لنلا يلزم الهرج و المرج.

مع أن حفظ النظام من الواجبات الأكيدة، و اختلال أمور المسلمين من الأمور المبعوضة، و لا يقام بدا، و لا يسد هذا إلا بوال و حكومة.

مضافاً إلى أن حفظ ثغور المسلمين من المهاجم، و بلادهم من غلبة المعتدين، واجب عقلاً و شرعاً، و لا يمكن ذلك إلا بتشكيل الحكومة، و كل ذلك من أوضح ما يحتاج إليه المسلمون، و لا يعقل ترك ذلك من الحكيم الصانع.

فما هو دليل الإمامة، بعينه دليل على لزوم الحكومة بعد غيبة ولي الأمر عجل الله تعالى فرجه الشريف، و لا سيما مع هذه السنين

حديث المذكور این است که اسلام اول شناخته نشده بود و بعداً هم طوری خواهد شد که اسلام شناخته نشود یعنی نقاب هایی بر چهره ی اسلام خواهند انداخت تا اسلام ناب در بین مردم غریب و ناشناخته بماند .

امام رضوان الله علیه در ادامه می فرمایند: ((و قوانين مربوطة بالجزائيات قصاصاً و حدّاً و دية؛ بوجه لو عمل بها لقلت الجنایات لو لم تنقطع، و انقطعت بذلك المفاصد المترتبة عليها، كالتي ترتب على استعمال المسكرات من الجنایات و الفواحش إلى ما شاء الله تعالى، و ما ترتب على الفواحش ما ظهر منها و ما بطن.

و قوانين مربوطة بالقضاء و الحقوق على نهج عادل و سهل، من غير إتلاف الوقت و المال، كما هو المشاهد في المحاكم الفعلية.

و قوانين مربوطة بالجهاد و الدفاع و المعاهدات بين دولة الإسلام و غيرها.

فالإسلام أسس حكومة لا على نهج الاستبداد المحكم فيه رأي الفرد و ميوله النفسانية في المجتمع، و لا على نهج المشروطة أو الجمهورية المؤسسة على القوانين البشرية، التي تفرض تحكيم آراء جماعة من البشر على المجتمع.

بل حكومة تستوحي و تستمد في جميع مجالاتها من القانون الإلهي، و ليس لأحد من الولاة الاستبداد برأيه، بل جميع ما يجري في الحكومة و شؤونها و لوازمها لا بد و أن يكون على طبق القانون الإلهي، حتى الإطاعة لولاة الأمر.

نعم، للوالي أن يعمل في الموضوعات على طبق الصلاح للمسلمين، أو لأهل حوزته، و ليس ذلك استبداداً بالرأي، بل هو على طبق الصلاح، فرأيه تبع للصلاح كعمله)) .

بنده زمانی معارف اسلامی را دسته بندی کردم که حد اقل ده مورد می باشند که عبارتند از:

اول : معارف اعتقادی که علم کلام آنها را بیان می کند .

دوم: معارف عبادی، یعنی آنچه که مربوط به عبادات است و باید با قصد قربت صورت بگیرد .

سوم: معارف اخلاقی، یعنی آنچه که مربوط به ملکات و روحیات اخلاقی انسان می باشد که کتابهای نظیر معراج السعادة و جامع السعادات مبین معارف اخلاقی اسلام هستند .

چهارم: معارف اقتصادی که خیلی وسیع هستند نظیر مسائل مربوط به تجارت و مکاسب و معاملات .

پنجم: معارف مدنی که مربوط به آداب معاشرت و رعایت حقوق در معاشرت می باشد .

دشمن و شهرها را پس بگیرند؟ میرزای قمی جواب داده اند بله لازم است .

ثانیاً در مورد هزینه کردن و رفتن به كربلاء و نجف برای زیارت سوال شده که میرزای قمی فرموده خیر، باید تمام پولهایشان را جمع کنند و برای جنگ با دشمن هزینه کنند.

ثالثاً در مورد حج سوال شده که ایشان فرموده جنگ با دشمن بر حج مقدم است، خلاصه ۲۴ سوال پرسیده شده و جالب است حتی سوال شده اگر ما برای جنگ رفتیم و دشمن تترس (ایجاد سپر انسانی از اسراء مسلمین) کرد چه کنیم؟ ایشان می فرمایند اگر این کار را کردند بکشید تا به دشمنان برسید، خلاصه ۲۴ فتوی شبیه اینها از میرزای قمی ذکر شده که خودش یک تاریخ است و قابل توجه می باشد، و بالاخره ایشان در آخر کلامش فرموده افسوس که من بسط ید ندارم، زیرا زمان فتحعلی شاه قاجار بوده و اولاً فرهنگ جهاد و شهادت و ایثار در مملکت حاکم نبود و ثانیاً فتحعلی شاه کاخ نشین بود و چنین روحیه ای نداشت، خلاصه اینکه میرزای قمی ابراز تأسف می کند و حتی می فرماید با گفتن شیرین دهان شیرین نمی شود و متأسفیم که ما قدرت و بسط ید نداریم .

حضرت امام رضوان الله علیه در آخر کلامشان مطلبی را از نهج البلاغه نقل می کند و می فرماید حضرت امیر علیه السلام اینطور فرمودند: ﴿وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِي عَلَى الْفُرُوجِ وَالْذِمَّاءِ وَالْمَغَانِمِ وَالْأَحْكَامِ وَإِمَامَةُ الْمُسْلِمِينَ الْبَخِيلِ فَتَكُونَ فِي أَمْوَالِهِمْ نَهْمَةٌ وَلَا الْجَاهِلُ فَيَضُنُّهُمْ بِجَهْلِهِ وَلَا الْجَافِي فَيَقْطَعُهُمْ بِجَفَائِهِ وَلَا الْحَائِفُ لِلدُّوْلِ فَيَتَّخِذُ قَوْمًا دُونَ قَوْمٍ وَلَا الْمُرْتَبِشِي فِي الْحُكْمِ فَيَذْهَبُ بِالْحَقُوقِ وَيَقِفُ بِهَا دُونَ الْمَقَاطِعِ وَلَا الْمَعْطَلُ لِلسُّنَّةِ فَيُهْلِكُ الْأُمَّةَ﴾.

این گلام امام رضوان الله علیه بود که به عرضتان رسید، بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

التمتادية، و لعلها تطول- و العياذ بالله إلى آلاف من السنين، و العلم عنده تعالى)).

امام رضوان الله علیه در ادامه بحث را به علم کلام بر می گرداند و می فرماید: ((فهل يعقل من حكمة الباري الحكيم إهمال الأمة الإسلامية، و عدم تعيين تكليف لهم، أو يرضى الحكيم بالهرج و المرج و اختلال النظام، و لا يأتي بشرع قاطع للعذر؛ لئلا تكون للناس عليه حجة؟! و ما ذكرناه و إن كان من واضحات العقل؛ فإن لزوم الحكومة لبسط العدالة، و التعليم و التربية، و حفظ النظم، و رفع الظلم، و سد الثغور، و المنع عن تجاوز الأجانب من أوضح أحكام العقول، من غير فرق بين عصر و عصر، أو مصر و مصر)).

همان طور که عرض شد امام رضوان الله علیه ابتدا اسلام را کل و مجموع در نظر گرفتند و بعد فرمودند شخصی باید حافظ و مبین و مجری معارف کلی اسلام باشد که وقتی ما تمام اشخاص و افراد را غربال می کنیم می بینیم که فقط فقیه عادل است که می تواند اینگونه باشد، یعنی فقیه باشد و اسلام را کاملاً عن فقه بشناسد و غیر فقیه نمی تواند این کار را بکند و حضرت امیر علیه السلام نیز در نهج البلاغه فرموده: ﴿إِنَّمَا النَّاسُ، إِنْ أَحَقَّ النَّاسُ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَامُهُ عَلَيْهِ، وَاعْلَمَهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ﴾، بعلاوه باید عادل باشد، اتقی باشد، تالی تلو عصمت باشد، مدبر و مدبر و شجاع باشد .

حضرت امام رضوان الله علیه در ادامه می فرماید اگر در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه یک نفر از فقهاء قیام کرد و توانست که اسلام را عملاً پیاده کند و مبین و مجری و حافظ باشد لازم است که بقیه ی فقهاء از او تبعیت کنند و او را یاری و حمایت کنند و اگر یک نفر نتوانست واجب کنائی است که همه جمع شوند و این کار را انجام بدهند و اگر این هم نشد بالاخره فقیه باید جایگاه خودش را حفظ کند و حتی المقدور احکام اسلام را پیاده کند و مثلاً خمس را بگیرد و در جای خودش مصرف کند و حدود الهی را جاری کند (ذکر شده که در اصفهان سید شفتی حد جاری می کرده و در همدان ما نیز آقای بهاری بوده که حد جاری می کرده) اما باز اصل بر تشکیل حکومت می باشد .

در کتاب جامع الشتاة که تألیف میرزای قمی رحمه الله است مردم ایران ۲۴ سؤال در مورد جنگ روسیه و تسلط آن بر ایران پرسیده اند که خیلی آموزنده است، اولاً سوال شده که آیا بر مرد و زن و پیر و جوان لازم است که فنون نظامی یاد بگیرند تا بروند به جنگ با